

**MfJ****Medical Fiqh Journal**

2025; 17(47): e5



## A Comparative Study of the Jurisprudential Rule of Qur'ah in Imamiyyah Jurisprudence and the Principle of Lottery in Biomedical ethics

Zeynab Mohammadzade<sup>1\*</sup> 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Legal Foundations and Imam Khomeini's Thought, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The rule of qur'a in Imami jurisprudence and the principle of lottery in biomedical ethics each provide a mechanism for dealing with situations in which no action can be decisively preferred over others, making decision-making difficult. The present study aims to examine the degree of conceptual compatibility and practical applicability of the juristic rule of qur'a and the lottery principle in medical ethics, in order to utilize the potential of each in resolving clinical dilemmas.

**Materials and Methods:** This study used a descriptive–analytical, comparative approach. Drawing on Imami jurisprudential sources (the Qur'an, hadiths, jurisprudential rules and principles) and biomedical ethics literature related to theories of procedural justice, impartiality, and equality of opportunity, it investigates the issue of lottery from both jurisprudential and biomedical-ethical perspectives.

**Conclusion:** The findings indicate that the qur'a in Imami jurisprudence—beyond its traditional application in deciding cases of uncertainty—can also be employed in situations involving conflicting rights. In biomedical ethics, although there are differing views on the fairness of using a lottery, this article, drawing on theories of procedural justice and impartiality, recognises the lottery as a legitimate method for allocating scarce healthcare resources. Therefore, there is no fundamental or significant conceptual or practical difference between the jurisprudential rule of qur'a and the lottery principle in biomedical ethics.

**Keywords:** Jurisprudential rule, qur'a rule, Imami jurisprudence, lottery, biomedical ethics

**Corresponding Author:** Zeynab Mohammadzade; **Email:** mohamadzade@ri-khomeini.ac.ir

**Received:** July 12, 2025; **Accepted:** November 12, 2025; **Published Online:** November 20, 2025

### Please cite this article as:

Mohammadzade Z. A Comparative Study of the Jurisprudential Rule of Qur'ah in Imamiyyah Jurisprudence and the Principle of Lottery in Biomedical ethics. *Med Fiqh Journal*. 2025; 17(47): e5.



## مجله فقه پزشکی

دوره هفدهم، شماره چهل و هفت، ۱۴۰۴



### مطالعه تطبیقی قاعده فقهی قرعه در فقه امامیه با اصل قرعه در اخلاق زیست پزشکی

زینب محمدزاده\*<sup>۱</sup>

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (س)، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** قاعده قرعه در فقه امامیه و اصل قرعه در اخلاق زیست پزشکی، هریک ساز و کاری برای مواجهه با شرایطی است که امکان ترجیح قطعی یک اقدام نسبت به اقدام‌های دیگر وجود ندارد و در نتیجه تصمیم‌گیری دشوار می‌شود. هدف پژوهش حاضر، بررسی میزان سازگاری مفهومی و قابلیت اجرایی هریک از دو اصل فقهی قرعه و اصل قرعه در اخلاق پزشکی است تا بتوان از ظرفیت هریک از آن‌ها در حل مسائل درمانی استفاده کرد.

**مواد و روش‌ها:** این مطالعه به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است. با بهره‌گیری از منابع فقهی امامیه (قرآن، حدیث، قواعد و اصول فقهی) و متون اخلاق زیست پزشکی مرتبط با نظریه‌های عدالت رویه‌ای، بی‌طرفی و برابری فرصت‌ها؛ مسئله قرعه را از دو منظر فقهی و اخلاق زیست پزشکی، مورد بررسی قرار داده است.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرعه در فقه امامیه، علاوه بر کاربرد سنتی آن در تصمیم‌گیری نسبت به امور مورد تردید، در موقعیت‌های تزامم حقوق نیز قابل بهره‌برداری است. در اخلاق زیست پزشکی، هرچند دیدگاه‌های متفاوتی درباره عادلانه بودن قرعه وجود دارد؛ اما این مقاله با تکیه بر نظریه‌های عدالت رویه‌ای و بی‌طرفی، قرعه را یکی از روش‌های معتبر برای تخصیص منابع کمیاب سلامت می‌داند. از این رو، تفاوت بنیادین و معناداری میان قاعده فقهی قرعه و اصل قرعه در اخلاق زیست پزشکی از نظر مفهومی و کارآمدی وجود ندارد.

**واژگان کلیدی:** قاعده فقهی، قاعده قرعه، فقه امامیه، قرعه، اخلاق زیست پزشکی

نویسنده مسئول: زینب محمدزاده؛ پست الکترونیک: [mohamadzade@ri-khomeini.ac.ir](mailto:mohamadzade@ri-khomeini.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mohammadzade Z. A Comparative Study of the Jurisprudential Rule of Qur'ah in Imamiyyah Jurisprudence and the Principle of Lottery in Biomedical ethics. *Med Fiqh Journal*. 2025; 17(47): e5.

## مقدمه

در نظام‌های حقوقی و اخلاقی، مواجهه با شرایط عدم قطعیت و کمبود منابع، همواره یکی از چالش‌های بنیادین تصمیم‌گیری به شمار آمده است. در چنین شرایطی، روش‌هایی همچون قرعه مطرح می‌شوند که در عین سادگی، ظرفیت‌هایی برای تضمین عدالت و بی‌طرفی در توزیع منابع دارند. اگرچه قرعه روشی تصادفی است؛ اما در برخی زمینه‌ها توانسته به‌عنوان سازوکاری مشروع و کارآمد برای حل تعارضات و رفع تحجیر پذیرفته شود. این مسئله به‌ویژه در دو حوزه کلیدی یعنی فقه امامیه و اخلاق زیستی معاصر به‌طور پررنگ‌تری نمود یافته است.

در شرایط کنونی که بحران‌های بهداشت عمومی، بلایای طبیعی و کمبود منابع درمانی به‌طور فزاینده‌ای رخ می‌دهد، یافتن سازوکاری عادلانه و قابل پذیرش برای تخصیص منابع محدود، اهمیت دوچندان یافته است. بررسی تطبیقی «قاعده قرعه» در فقه امامیه و «اصل قرعه» در اخلاق زیستی، نه تنها می‌تواند به غنای نظریه عدالت در دو حوزه بینجامد، بلکه ظرفیت ارائه الگوی بومی - بین‌المللی در مواجهه با بحران‌های سلامت را فراهم می‌سازد. این مطالعه با پر کردن خلأ پژوهشی موجود، زمینه‌ای برای گفت‌وگوی سازنده میان فقه و اخلاق کاربردی ایجاد می‌کند.

فقه امامیه، بنابر نظر مشهور، قرعه را با تکیه بر ادله چهارگانه به‌عنوان آخرین راه‌حل در شرایط مجهول و تزاممی مشروع می‌داند؛ ابزاری که نه برای کشف واقع، بلکه برای اجتناب از ترجیح بلامرئج و حفظ نظم شرعی کاربرد دارد. هرچند برخی فقها آن را کاشف از واقع نیز دانسته‌اند. در مقابل، اخلاق زیستی معاصر براساس مبانی‌ای چون عدالت رویه‌ای، بی‌طرفی، برابری فرصت و کارایی، قرعه را به‌عنوان یکی از ابزارهای اخلاقی در تخصیص منابع سلامت در مواقع بحران و کمبود توجیه می‌کند.

با بررسی‌های انجام‌شده، پژوهش تطبیقی جامعی درباره قاعده قرعه در فقه امامیه و روش قرعه در اخلاق زیستی معاصر یافت نشد. پژوهش حاضر با رویکرد نوآورانه، این خلأ را پر کرده

می‌کوشد به روش توصیفی - تحلیلی با تطبیق مبانی و کاربرد قرعه در فقه امامیه و اخلاق زیستی، تصویری روشن از نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها ارائه دهد و زمینه‌ساز توسعه رویکردهای عدالت‌محور در عرصه سلامت شود.

## مواد و روش‌ها

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است. منابع مورد استفاده شامل متون فقهی امامیه (آیات، روایات، اصول عقلایی) و ادبیات اخلاق زیستی معاصر (نظریه‌های عدالت رویه‌ای، بی‌طرفی و برابری فرصت‌ها) بوده است. تحلیل تطبیقی براساس مؤلفه‌های معرفت‌شناختی و عملی قرعه صورت گرفته و هدف آن شناسایی ظرفیت‌های تصمیم‌گیری منصفانه در هر نظام است.

## یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در فقه امامیه، قرعه نه تنها در موارد رفع مجهول، بلکه در موقعیت‌های تزامم و تساوی حقوق نیز به‌عنوان راه‌حلی مشروع و قابل اتکا مطرح است. در اخلاق زیستی، با وجود تفاوت دیدگاه‌ها درباره عدالت‌محور بودن قرعه، نظریه‌های عدالت رویه‌ای و بی‌طرفی آن را به‌عنوان یکی از روش‌های معتبر تخصیص منابع سلامت در شرایط بحرانی معرفی می‌کنند. مقاله حاضر با تبیین تطبیقی قرعه به‌عنوان ابزاری بینارشته‌ای، پیشنهاد می‌دهد که دستورالعملی ضابطه‌مند با رعایت اصول شرعی و اخلاقی برای اجرای قرعه در حوزه سلامت تدوین گردد.

## ۱. جایگاه قاعده قرعه در فقه امامیه

فقه امامیه در مواجهه با موقعیت‌های مجهول، تزامم و ترجیح بلامرئج، از ابزارهایی بهره می‌گیرد که ضمن حفظ نظم شرعی، امکان تصمیم‌گیری عقل‌پذیر را فراهم سازد. یکی از این ابزارها، قاعده قرعه است که با پشتوانه‌ای از منابع نقلی و عقلایی، جایگاهی ویژه در نظام حقوقی اسلامی یافته است. در ادامه، مبانی مشروعیت، اهداف و کاربردهای این قاعده در فقه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فقه اسلامی قرعه یکی از قواعد فقهی است که به‌عنوان آخرین راه‌حل برای رفع تحبیر و تعیین تکلیف در شرایطی که راهی برای تعیین حق یا حل اختلاف وجود ندارد، به کار می‌رود. در نصوص فقهی و تعابیر فقها از این قاعده با عبارات مختلفی مانند «القرعة لكل امر مشتبہ»، «القرعة لكل امر مشکل» و «القرعة لكل امر مجهول» یاد شده است (۵).

**۱-۲. مبانی و مستندات قاعده قرعه:** قرعه در قرآن و روایات اسلامی به‌عنوان روشی مشروع برای تصمیم‌گیری در شرایط چندگزینه‌ای معرفی شده است. در ماجرای حضرت یونس (ع): «فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ». «پس قرعه زدند و او از مغلوب شدگان شد» (۶) و کفالت حضرت مریم (ع) «وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ» (۷)، قرعه به‌عنوان راهکاری برای رفع تحبیر و تعیین تکلیف به کار رفته و مورد تأیید الهی قرار گرفته است.

روایات متعددی نیز حجیت و کاربرد قرعه را در حل مسائل مختلف تأیید می‌کنند: امام صادق (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «در موارد ابهام چه حکمی از قرعه محکم‌تر است؟ آیا (قرعه) سپردن کار به خداوند متعال نیست؟» (۸). محمد بن حکیم نقل می‌کند که از امام موسی بن جعفر (ع) درباره موضوعی سؤال کردم، حضرت فرمودند: «در هر امر و موضوع مجهولی، قرعه جاری است. من گفتم: قرعه ممکن است خطا کند و ممکن است به صواب برسد. حضرت فرمودند: آنچه که خداوند به آن حکم کرده، خطا نخواهد کرد» (۹). بدیهی است مراد روایت این نیست که قرعه خطا نمی‌کند، بلکه مراد این بوده که عمل به قرعه در حکم خطا نیست. درواقع این روایت تأکید دارد که قرعه یک روش شرعی و مورد تأیید خداوند در موارد مجهول است.

در برخی روایات آمده است که اگر فردی شاهد باشد که چوپانی با یکی از گوسفندان گله عمل نامشروعی انجام داده است! اما نتواند آن گوسفند را تشخیص دهد، باید از طریق قرعه آن را مشخص کند و از بین ببرد (۱۰).

افزون بر آیات و روایات پیش‌گفته، اجماع فقهای امامیه و حکم عقل را نیز می‌توان مستندات دیگر حجیت قاعده قرعه به

**۱-۱. مفهوم قرعه در منابع فقهی:** در زبان عربی، واژه «قرعه» دارای معانی مختلفی است که بسته به زمینه استفاده، مفهوم متفاوتی پیدا می‌کند. ابن‌منظور، قرعه را از «قرع» به معنای ضربه به سر و اصطلاح «قرع الرأس» را ضربه‌ای به سر که موجب ریزش موی سر شود، تعریف کرده است (۱). در معجم الوسیط، «قرع» هم به معنای ضربه فیزیکی (ضربه‌ای که باعث ایجاد صدای مداوم می‌شود) و هم ضربه مجازی (به‌کارگیری بیان تأثیرگذار) معنا شده است. به این ترتیب مراد از اصطلاح «قرع بابه»، جلب توجه و اعلام حضور کردن از طریق ایجاد صدای مکرر ضربه است (۲). قرعه در معنای «نصیب و سهم» نیز به کار رفته است. البته بیشتر مراد سهم و نصیب حاصل از یک انتخاب تصادفی و اتفاقی است نه سهم از پیش تعیین شده افراد (۳).

نراقی درباره ریشه واژه «قرعه» احتمال دیگری را مطرح می‌کند که لغویون آن را مطرح نکرده‌اند. به تعبیر وی «قرعه از «قارعة القلوب» یعنی آنچه که موجب ترس می‌شود گرفته شده است؛ زیرا قلب هریک از متقارعین تا زمانی که نتیجه معلوم شود و سهمش بیرون آید، در شدت و ترس است» (۴). در اصطلاح فقه نیز، قرعه با معنای لغوی خود نسبت دارد؛ به این صورت که در لغت، «قرعه» به معنای «ضربه ناگهانی» است که بر رویدادی تصادفی و پیش‌بینی‌ناپذیر دلالت می‌کند؛ در اصطلاح فقهی نیز قرعه راهی بی‌طرفانه برای حل اختلافات یا تعیین حقوق در موقعیت‌های مجهول است که مانع دخالت سلیقه انسانی می‌شود. این روش با تکیه بر تصادف، عدالت را از طریق حذف جانبداری و خلق فرصت برابر محقق می‌سازد. این هم‌راستا بودن در مفاهیم یعنی از یک‌سو تأکید بر رویدادهای ناگهانی و غیر قابل پیش‌بینی (از منظر لغوی) و از سوی دیگر ضرورت حذف هرگونه جانبداری انسانی (در فقه) که به حسن توزیع امتیازات منجر شود، نشان می‌دهد که استعاره قرعه در فقه، بازتابی از ایده غیرعمدی و تصادفی بودن انتخاب است؛ روشی که موجب می‌شود حقیقتاً هیچ طرفی از انتخاب، برتری پیدا نکند و نتیجه به وسیله شانس محقق شود.

شبهه شده و اطلاع از آن مقدور نیست، چه در مورد اموال (دارایی‌های نقدی) و چه در مورد اَبضاع (کالاها). سوم: در تمییز املاک شامل الف) قرعه بین بنده‌ها، در صورتی که ثلث دارایی برای آزادی همه آن‌ها کافی نباشد. ب) قرعه بین شرکا هنگام تعدیل سهام در تقسیم مال. ج) در تعارض دو بینه نزد کسانی که آن را آورده‌اند. د) در حقوق اختصاصات، مانند تزاحم بر سر صف اول و در احیای موات. ه) در حقوق ولایات، مانند اختلاف در تعیین امامت عظمی بین دو نفر که از نظر ویژگی‌های ترجیحی برابر باشند یا در ترجیح یکی از اولیا در نکاح یا وراثت در استیفای قصاص» (۱۲).

**۴-۱. دیدگاه فقهای امامیه درباره مشروعیت قرعه و شرایط اجرای آن:** فقهای امامیه به اتفاق مشروعیت قرعه را به‌عنوان یک روش معتبر برای حل مسائل مجهول پذیرفته‌اند؛ اما در موارد جریان قرعه اختلاف دارند. برخی از فقها استفاده حداکثری از قرعه را در حل منازعات و اختلافات پذیرفته‌اند. شیخ طوسی قرعه را به‌عنوان یک روش شرعی برای حل اختلافات هنگام تعارض بینه‌ها معرفی کرده است (۱۳). علامه حلی قرعه را به‌عنوان یک ابزار فقهی معتبر برای حل مسائل پیچیده مورد تأیید قرار داده است (۱۴). شیخ انصاری گرچه در تعارض قرعه با استصحاب، استصحاب را مقدم می‌داند؛ اما در تعارض آن با برائت، تخییر، اباحه و احتیاط، قرعه را مقدم دانسته است (۱۵). امام خمینی در حل اختلافات قضایی و حقوقی متعدد از قرعه استفاده کرده است (۱۶). در مقابل، برخی از فقها همچون ابن ادریس حلی (۱۷) و محقق نراقی (۴)، دیدگاه محتاطانه‌تری نسبت به قرعه دارند و قلمروی آن را محدود به موارد خاصی می‌دانند. شهید اول، با اینکه اولین فقیهی است که از قرعه به‌عنوان یک قاعده فقهی یاد کرده است؛ اما جریان این قاعده را تنها در مواردی مانند تعیین مالکیت و حل اختلافات حقوقی مشروع دانسته است (۱۸). فاضل لنکرانی نیز معتقد است که قبل از استفاده از قرعه باید ابتدا از اصول دیگر مانند اصل احتیاط استفاده شود (۱۹). طرفداران این دیدگاه استفاده از قرعه را مشروط به شرایط خاصی می‌دانند مانند:

شمار آورد. فقها در حجیت و مشروعیت این قاعده اتفاق و اجماع دارند. عقلاً نیز در همه زمان‌ها و ادیان در شرایطی که هیچ راه حل مشخصی برای تعیین تکلیف وجود ندارد، از قرعه به‌عنوان یک روش منطقی و عادلانه استفاده کرده‌اند. بدیهی است این مراجعه عقلاً به قرعه، به منظور کشف واقع و رؤیت امر مجهول نیست؛ زیرا از منظر عقلاً قرعه کاشفیت از واقع نمی‌کند، بلکه قرعه را به قصد فرار از ترجیح دادن براساس تمایلات و هوا و هوس و آنچه موجب نزاع و کینه می‌شود، معتبر می‌دانند؛ زیرا این قسم ترجیح دادن (براساس هوا و هوس)، ترجیح بلامرغ است (۱۱).

**۳-۱. کاربردهای قرعه در فقه امامیه:** براساس منابع فقهی، قرعه در دو حالت کلی به کار می‌رود: (۱) موارد مجهول: جایی که حق درواقع مشخص است؛ اما به دلیل شرایط خاص، مشتبه شده است مانند تعیین مالکیت در موارد اختلافی. (۲) موارد مشکل یا معضل: مواردی که حق حتی درواقع نیز مشخص نیست و مردد بین دو یا چند چیز است مانند انتخاب یک فرد از میان چند نفر برای انجام یک وظیفه خاص (۴). قاعده قرعه در حوزه‌های مختلف فقه دارای کاربردهای قضایی، حقوقی و اجتماعی متعدد است. قرعه در مسائل قضایی به‌عنوان یک روش مشروع برای حل اختلافات و تعیین حق مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مواردی که هیچ دلیل قاطع و روشنی برای اثبات یک طرف دعوا وجود ندارد، قاضی می‌تواند از قرعه برای تعیین حق استفاده کند.

در برخی از متون از موارد کاربرد قرعه در فقه این‌گونه یاد شده است: «**اول:** در تمییز مستحق؛ وقتی که استحقاق از ابتدا بر مبنای یک امر مبهم و نامشخص ثابت شود و مستحقان برابر باشند. به‌عنوان مثال در جایی که شخصی وصیت کرده تعدادی بنده از دارایی‌هایش آزاد شوند در حالی که ثلث دارایی‌اش برای آزادی همه آن‌ها کافی نبوده یا در تعیین حضانت و سرپرست کودک وقتی که حاضنین در یک درجه باشند و همچنین در تعیین آغاز حق قسم زوجات (متعدد)، در مواردی که گفته شده حقوق ایشان برابر باشد. **دوم:** در تمییز مستحق که در ابتدا معین شده؛ اما بعداً دچار

الف) وجود حالت مجهول یا مشکل (۱۲).

ب) عدم وجود دلیل شرعی یا عقلی دیگر: اگر در مسئله‌ای دلیلی شرعی یا عقلی برای تعیین تکلیف وجود داشته باشد، قرعه اجرا نمی‌شود. قرعه جایی صورت می‌گیرد که محل جریان اماره، اصل عملی و عمل به قاعده عدل و انصاف نباشد (۲۰). بر این اساس قرعه در شبهات حکمی و شبهات موضوعیه‌ای که برای آن‌ها قاعده‌ای خاص مانند احتیاط تشریح شده باشد، اجرا نمی‌شود (۲۱).

ج) اجرای قرعه در حق الناس نه حق الله (۲۱).

د) اجرای قرعه توسط افراد صالح، بی‌طرف و عادل: به این منظور گاهی برای خارج کردن قرعه از کودکان استفاده می‌شود؛ زیرا عمل آن‌ها از سوءظن دورتر و به عدالت نزدیک‌تر است (۱۱).

## ۵-۱. مزایا و چالش‌های استفاده از قرعه در فقه امامیه:

به‌کارگیری قرعه در مسائل فقهی و حقوقی دارای مزایا و چالش‌های مختلف است. در فقه امامیه، قرعه ابزاری مشروع و عملی برای رفع تحری و تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده است. مزایای اصلی آن عبارت‌اند از: (۱) امکان حل اختلافات در شرایط مجهول، (۲) رعایت عدالت و بی‌طرفی، (۳) برخورداری از مشروعیت شرعی و فقهی، (۴) جلوگیری از بن‌بست‌های قضایی و حقوقی، و (۵) کاهش تنش‌های اجتماعی و حقوقی؛ اما این روش محدودیت‌هایی نیز دارد: (۱) قرعه کاشف از واقع نیست و صرفاً یک اصل عملی است (۱۹). از این رو احتمال عدم دستیابی به واقعیت و تضییع حقوق افراد در آن وجود دارد. (۲) دامنه اجرایی آن محدود به فقدان هرگونه راه‌حل دیگر است. (۳) در نبود نظارت، احتمال سوء استفاده از فرآیند قرعه وجود دارد و (۴) اجرای عملی آن در موارد پیچیده ممکن است دشوار باشد.

## ۲. جایگاه اصل قرعه در اخلاق زیستی معاصر

در برخی از منابع سلامت، همواره تقاضا بیش از عرضه است و در نتیجه، تصمیم‌گیری برای تخصیص منابع امری ضروری است. یکی از روش‌های تخصیص منابع کمیاب، تخصیص براساس انتخاب تصادفی (قرعه) است که گاهی با تأیید صریح

قانون، در خدمت سربازی، مهاجرت، آموزش و توزیع واکسن‌ها استفاده می‌شود. در میان نامزدهای تقریباً مساوی نیز قرعه مانع می‌شود که اختلاف‌های کوچک بر نتایج تأثیر زیادی بگذارد. برخی از افراد از تخصیص منابع براساس قرعه حمایت می‌کنند؛ زیرا تمایل هر فرد برای زنده ماندن باید اهمیت یکسانی داشته باشد و مورد احترام مشابه دیگران نیز قرار گیرد (۲۲).

نمونه مبالغه‌آمیز و تخیلی استفاده از این روش، جامعه‌ای است که خورخه لوئیس بورخس<sup>۱</sup> در رمان «بخت‌آزمایی در بابل»<sup>۲</sup> به تصویر کشیده است. در این جامعه افراد تنها با قرعه، نقش اجتماعی خاصی مانند برده، صاحب کارخانه، کشیش یا جلاذ پیدا می‌کنند و معیارهای توزیع مانند: موفقیت، تحصیلات، شایستگی، تجربه، مشارکت، نیاز، محرومیت و تلاش نادیده گرفته می‌شوند. از این رو تعیین موقعیت‌ها با مفاهیم اخلاقی رایج و اصول عدالت، سازگار نیست. با این حال، از نظر بوچامپ و چایلدرس قرعه یا روش شانس، همیشه هم عجیب و غیرقابل قبول نیست. از نظر ایشان اگرچه سیستم‌های توزیع مبتنی بر قرعه و نه شایستگی فردی، تا حدی خودسرانه و ناعادلانه است؛ اما ممکن است در برخی از سیستم‌های توزیع، سازوکار قابل توجیهی برای توزیع منابع از جمله مراقبت‌های بهداشتی در شرایط کمبود باشد. اگر منابع پزشکی، کمیاب و غیرقابل تقسیم باشند و هیچ تفاوت عمده‌ای در سودمندی پزشکی برای بیماران وجود نداشته باشد به‌ویژه هنگامی که درباره زندگی یا مرگ تعیین تکلیف می‌کند؛ ملاحظات «فرصت منصفانه» و «احترام برابر»، بسته به اینکه کدام روش مناسب‌ترین و عملی‌ترین شرایط را دارد، «قرعه» و «تصادفی‌سازی» را توجیه می‌کنند (۲۳).

## ۱-۲. مفهوم قرعه و نقش آن در حوزه اخلاق زیستی:

قرعه<sup>۳</sup> یک روش تصمیم‌گیری تصادفی در تخصیص منابع است که در شرایطی که چندین فرد یا گروه ادعای برابر برای دریافت یک منبع کمیاب مانند داروی نجات‌بخش یا دستگاه

1. Jorge Luis Borges

2. The Lottery in Babylon

3. Lottery

می‌کند، ناشی از ماهیت غیرعقلانی آن است. به این معنا که این روش، برخلاف تصمیم‌گیری‌های معمول انسانی که بر مبنای ویژگی یا معیارهای مشخص انجام می‌شوند، کاملاً تصادفی و بدون هیچ‌گونه جهت‌گیری خاص است. گفتنی است بی‌طرفی و عدالت تخصیصی الزاماً به معنای برابری مطلق نیست، بلکه به معنای رعایت اصول صحیح تصمیم‌گیری در تخصیص منابع براساس ادعاهای موجود است (۲۶).

۲-۲-۳. اصل برابری<sup>۴</sup>: اصل برابری در تخصیص منابع سلامت به این معناست که در شرایطی که تقاضا بیشتر از عرضه است همه افراد باید شانس برابر برای دریافت منابع کمیاب داشته باشند. قرعه به همه افراد شانس برابر برای دریافت منابع کمیاب می‌دهد. با استفاده از این روش هیچ فردی براساس معیارهای تبعیض‌آمیز از دریافت منابع محروم نمی‌شود (۲۷).

۲-۲-۴. اصل پذیرش اجتماعی<sup>۵</sup> و مشروعیت اخلاقی: یکی از چالش‌های اصلی تخصیص منابع سلامت، نارضایتی افراد محروم از دریافت درمان است. پذیرش اجتماعی باعث می‌شود که افراد نتایج قرعه را به‌عنوان یک تصمیم مشروع و اخلاقی بپذیرند. قرعه نه‌تنها انتظارات برابر ایجاد می‌کند، بلکه احساسات منفی مانند نارضایتی و خشم را کاهش می‌دهد. زمانی که فرآیند تخصیص از طریق قرعه انجام شود، افراد می‌دانند که انتخاب براساس یک فرآیند تصادفی، بی‌طرفانه و غیر تبعیض‌آمیز صورت گرفته است. این امر به کاهش اعتراضات و احساس بی‌عدالتی و افزایش مشروعیت تصمیم‌گیری کمک می‌کند، به‌ویژه در مواردی که هیچ معیار واضحی برای اولویت‌بندی وجود ندارد (۲۷).

از نظر چایلدرس، انتخاب تصادفی، افزون بر کرامت فردی و برابری فرصت‌ها با ارزش‌های دیگری از جمله: اعتماد میان پزشک و بیمار نیز سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا تصمیم‌گیری براساس ارزش‌های اجتماعی می‌تواند این اعتماد را تضعیف کرده و بیمار را وسیله‌ای برای اهداف بیرونی جلوه دهد. روش تصادفی، این خطر را کاهش می‌دهد و نیاز به داوری درباره ارزش اجتماعی افراد را منتفی می‌سازد (۲۸).

تنفس مصنوعی دارند، استفاده می‌شود. این روش به جای انتخاب براساس معیارهای فردی مانند نیاز یا شایستگی، به همه افراد شانس برابر برای دریافت منبع می‌دهد (۲۴).

۲-۲. مبانی فلسفی و نظری قرعه: استفاده از قرعه به‌عنوان یک روش تصمیم‌گیری در توزیع منابع مراقبت‌های بهداشتی محدود بر مبانی فلسفی و نظری خاصی استوار است که در ادامه بررسی می‌شود:

۲-۲-۱. اصل عدالت و انصاف<sup>۱</sup>: از مهم‌ترین مبانی فلسفی قرعه در اخلاق زیستی، اصول عدالت و انصاف است. قرعه می‌تواند توزیع عادلانه منابع را تضمین کند، به‌ویژه در شرایطی که هیچ معیار مشخصی برای اولویت‌بندی وجود ندارد (۲۵).

۲-۲-۲. اصل بی‌طرفی<sup>۲</sup>: اصل بی‌طرفی به‌عنوان یک راهنمای عملی برای تصمیم‌گیری در حوزه عدالت تخصیصی مطرح شده است. این اصل ایجاب می‌کند که هنگام تخصیص یک کالا یا منبع، یک عامل مانند دولت یا سازمان مسئول، باید تا حد امکان توزیعی را ایجاد کند که شرایط «کارایی»، «اولویت» و «برابری» را رعایت کند؛ اما یک محدودیت مهم وجود دارد: در شرایطی که وضعیت نامعین است و اطلاعات یا قواعد قطعی برای تصمیم‌گیری وجود ندارد، رعایت هم‌زمان این سه شرط غیرممکن می‌شود. در حالی که این اصل به‌عنوان یک محدودیت برای نیت‌های تصمیم‌گیرنده عمل می‌کند؛ به این معنا که نباید به‌طور عمدی هیچ ادعایی را نادیده بگیرد و نباید بدون دلیل موجه ادعای یک طرف را بر دیگری ترجیح دهد، مگر اینکه ادعای اولی به‌طور قابل اثبات قوی‌تر از دومی باشد. قرعه باعث می‌شود که عامل تصمیم‌گیرنده هیچ گزینه‌ای را عمداً بر گزینه دیگر ترجیح ندهد و در نتیجه، انتخاب نهایی براساس هیچ دلیلی انجام نشود. اجرای قرعه عادلانه، تصمیم‌گیری را از هرگونه تأثیر نامطلوب ناشی از ترجیحات شخصی پاک‌سازی می‌کند. اثر پاک‌کنندگی قرعه<sup>۳</sup> تضمین می‌کند که تصمیم‌گیرنده هیچ گزینه‌ای را به‌طور عمدی ترجیح ندهد. برابری فرصت‌هایی که قرعه ایجاد

1. Fairness Principle
2. Impartiality Principle
3. Sanitizing effect

4. Equality Principle  
5. Social Acceptance Principle

برابری منصفانه فرصت‌ها (۳۰). در چارچوب نظریه رالز در شرایطی که منابع سلامت (مثل تخت ICU یا واکسن) محدود است و امکان اولویت‌بندی دقیق و عادلانه وجود ندارد یا منجر به تبعیض می‌شود استفاده از قرعه می‌تواند یک روش عادلانه و بی‌طرفانه برای تخصیص منابع مورد استفاده قرار گیرد. قرعه برابری فرصت‌ها را حفظ و از تبعیض‌های ساختاری جلوگیری می‌کند و در عین حال، مشروعیت اخلاقی فرآیند تخصیص منابع را تقویت می‌کند (۳۰).

ب) نظریه فایده‌گرایی: براساس نظریه فایده‌گرایی، تصمیمات باید به گونه‌ای اتخاذ شوند که بیشترین منفعت را برای بیشترین تعداد افراد فراهم کنند. فرآیندهای پیچیده اولویت‌بندی ممکن است زمان‌بر، پرهزینه یا مناقشه برانگیز باشند. در شرایطی که اثربخشی گزینه‌ها برابر باشد، استفاده از قرعه می‌تواند نه تنها عادلانه، بلکه کارآمدتر نیز باشد، چون هزینه‌های تصمیم‌گیری، زمان و تعارض‌ها را کاهش می‌دهد. قرعه می‌تواند با کاهش اصطکاک اداری و روانی، به افزایش کارایی و رضایت عمومی کمک کند که از منظر فایده‌گرایی، مطلوب است. همچنین قرعه باعث می‌شود مردم احساس عدالت و شفافیت بیشتری داشته باشند و این می‌تواند به کاهش تنش اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی منجر شود که خود نوعی افزایش فایده اجتماعی است (۲۲).

ج) نظریه قرارداد اجتماعی: این نظریه، به‌ویژه در اندیشه فیلسوفانی چون ژان ژاک روسو<sup>۷</sup> و جان رالز، بر پایه توافق فرضی میان افراد جامعه برای تعیین اصول عادلانه توزیع قدرت و منابع بنا شده است. براساس نظریه قرارداد اجتماعی، تصمیمات باید به گونه‌ای اتخاذ شوند که مورد پذیرش اکثریت جامعه باشند. قرعه می‌تواند مشروعیت اخلاقی و اجتماعی تصمیم‌گیری را افزایش دهد. از نظر رالز اگر افراد در «موقعیت نخستین»<sup>۸</sup> و پشت «پرده نادانی»<sup>۹</sup> باشند یعنی ندانند در جامعه چه جایگاهی خواهند داشت، احتمالاً با قرعه به‌عنوان روشی بی‌طرفانه برای تخصیص منابع کمیاب موافقت می‌کنند،

۲-۲-۵. اصل کارایی<sup>۱</sup> در فرآیند تصمیم‌گیری: در شرایطی که تقاضا برای منابع پزشکی بیشتر از عرضه است، قرعه می‌تواند یک روش کارآمد برای تصمیم‌گیری باشد. این روش به‌ویژه در زمانی که بررسی دقیق نیازهای فردی ممکن نباشد و هیچ معیار واضحی برای اولویت‌بندی بیماران وجود نداشته باشد، می‌تواند به سرعت و بدون هزینه‌های اضافی تصمیم‌گیری را تسهیل کند و از هدررفت ناشی از فرآیندهای پیچیده تصمیم‌گیری جلوگیری می‌کند. کارایی فرآیندی (سرعت، سادگی و هزینه کم تصمیم‌گیری) می‌تواند مکمل عدالت و مشروعیت در سیاست‌گذاری سلامت باشد (۲۹).

افزون بر مبانی فلسفی پیش‌گفته مبانی نظری دیگری نیز استفاده از روش قرعه در توزیع منابع سلامت را تأیید می‌کند که عبارتند از:

الف) نظریه عدالت جان رالز: رالز<sup>۲</sup> توزیع منافع براساس قرعه‌های طبیعی<sup>۳</sup> و اجتماعی<sup>۴</sup> را آشکارترین بی‌عدالتی نظام آزادی طبیعی و از نظر اخلاقی، سلیقه‌ای و خودسرانه می‌داند. «قرعه طبیعی» به توزیع ویژگی‌های ژنتیکی سودمند و زیان‌بار، و «قرعه اجتماعی» به توزیع دارایی‌ها یا کاستی‌ها از طریق دارایی‌های خانوادگی، سیستم‌های مدرسه، وابستگی قبیله‌ای، سازمان‌های دولتی و مانند آن اشاره دارد. او در پی آن است که از تأثیر پیشامدهای اجتماعی و عوامل تصادفی طبیعی بر منافع توزیعی بکاهد. رالز با افزودن شرط «برابری منصفانه فرصت‌ها» درصدد تصحیح توزیع مسئولیت‌ها براساس استعدادها است. از نظر وی همگان باید از شانس مشابه برای زندگی برخوردار باشند (۳۰).

نظریه عدالت رالز بر دو اصل بنیادین استوار است: (۱) اصل آزادی برابر<sup>۵</sup>: همه افراد باید از حقوق و آزادی‌های اساسی برابر برخوردار باشند. (۲) اصل تفاوت<sup>۶</sup>: نابرابری‌ها تنها زمانی قابل قبول‌اند که به نفع ضعیف‌ترین اقشار جامعه باشند، همراه با

1. Efficiency Principle
2. John Bordley Rawls
3. Natural lottery
4. Social lottery
5. Equal Liberty
6. Difference Principle

7. Jean-Jacques Rousseau

8. Original Position

9. Veil of Ignorance

شوند، بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، وضعیت اقتصادی، ملیت، اعتقادات یا ارزش اجتماعی. دلیل اصلی این روش بر اصل کرامت انسانی و برابری فرصت‌ها استوار است، نه براساس ارزش اجتماعی یا ملاحظات فایده‌گرایانه» (۲۳).

در مقابل دیدگاه بالا برخی از متخصصان و پژوهشگران با استفاده از قرعه در توزیع منابع سلامت مخالف هستند:

از منظر مایکل سندل<sup>۳</sup> عدالت به معنای برخورد برابر نیست، بلکه به معنای تخصیص منابع به کسانی است که بیشترین نیاز را دارند. قرعه این اصل را نادیده می‌گیرد (۳۵).

از کیل امانوئل<sup>۴</sup> متخصص اخلاق زیستی استفاده منحصر از روش قرعه را نقد می‌کند: «هیچ اصل واحدی نمی‌تواند تخصیص منابع پزشکی را به‌طور عادلانه انجام دهد. ترکیب چندین اصل، از جمله قرعه، می‌تواند به یک سیستم تخصیص جامع‌تر منجر شود» (۲۲).

دانیل کالاهان<sup>۵</sup> در نقد روش قرعه برای تخصیص منابع پزشکی آورده: «قرعه ممکن است یک روش بی‌طرفانه به‌نظر برسد؛ اما نمی‌تواند نیازهای واقعی بیماران را در نظر بگیرد. تخصیص منابع باید براساس معیارهای پزشکی و اجتماعی انجام شود، نه صرفاً براساس شانس» (۳۶).

**۲-۵. مزایا و چالش‌های روش قرعه در اخلاق زیستی معاصر:** روش قرعه در اخلاق زیستی معاصر دارای مزایا و چالش‌هایی است که باید در اجرای آن مورد توجه قرار گیرد. مزایای این روش عبارت‌اند از: ۱. عدالت و بی‌طرفی در تخصیص منابع، ۲. سادگی روش و سرعت در تصمیم‌گیری (۲۲)، ۳. پذیرش اجتماعی و مشروعیت اخلاقی.

با وجود مزایای پیش‌گفته درباره روش قرعه، باید گفت قرعه به‌عنوان یک روش انتخاب تصادفی، هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی با مشکلات و چالش‌های جدی مواجه است. از جمله:

۱-۵-۲. نادیده گرفتن نیازهای فردی: برخی از افراد ممکن است قرعه را به‌عنوان یک روش غیرمنصفانه یا غیراخلاقی در

چون تضمین می‌کند که در صورت قرار گرفتن در موقعیت ضعیف، شانس برابر خواهند داشت (۳۰).

**۲-۳. کاربردهای قرعه در حوزه اخلاق زیستی:** کاربردهای استفاده از روش قرعه در حوزه اخلاق زیستی به‌طور خاص عبارت است از: تخصیص منابع کمیاب (مانند تخت ICU، پیوند عضو، واکسن و داروهای کمیاب) و انتخاب بیماران برای درمان‌های خاص، انتخاب شرکت‌کنندگان در برنامه‌های سلامت عمومی و برنامه‌های تحقیقاتی پزشکی (مطالعات بالینی)، توزیع عادلانه خدمات در مناطق محروم (مانند اعزام تیم‌های پزشکی سیار به روستاها)، آموزش و ترویج فرهنگ سلامت (مانند شرکت در غربالگری سرطان یا مشارکت در کمپین‌های خودمراقبتی).

**۲-۴. موافقان و مخالفان استفاده از قرعه:** در نظام اخلاق زیست پزشکی، استفاده از روش قرعه در توزیع منابع سلامت موضوعی بحث‌برانگیز است که موافقان و مخالفان خاص خود را دارد. جان هریس (۳۱)، نورمن دانلیز (۳۲)، پیتر سینگر (۳۳)، جیمز اف. چایلدرس<sup>۱</sup> در زمره موافقان این روش به شمار می‌آیند.

کن باند<sup>۲</sup> و همکاران در مقاله‌ای درباره اهمیت قرعه در تخصیص منابع پزشکی بیان می‌کنند: «هنگامی که افراد دارای ادعاهای مساوی برای دریافت یک منبع غیرقابل تقسیم مانند داروی نجات‌بخش یا دستگاه تنفس مصنوعی هستند، گاهی از قرعه به‌عنوان روشی برای «حل بن‌بست» و تعیین فرد دریافت‌کننده استفاده می‌شود؛ اما در زمینه تخصیص منابع مراقبت‌های بهداشتی، قرعه نقشی فراتر از یک مکانیسم ساده دارد؛ زیرا مفهوم برابری اخلاقی را تقویت کرده، عدالت توزیعی را با ایجاد شانس مساوی برای دریافت‌کنندگان ارتقا می‌دهد و عدالت رویه‌ای را با تضمین بی‌طرفی و شفافیت در تصمیم‌گیری تأمین می‌کند» (۳۴).

چایلدرس نیز تأکید می‌کند: «در مرحله نهایی، بیماران واجد شرایط دریافت منابع محدود باید به‌طور تصادفی انتخاب

3. Michael Sandel

4. Ezekiel Emanuel

5. Daniel Callahan

1. James F. Childress

2. Ken Bond

تصمیم‌گیری‌های پزشکی تلقی کنند؛ زیرا این روش ممکن است با اصول اخلاقی مانند اولویت‌بندی براساس شدت بیماری یا نیاز فوری مغایرت داشته باشد. یکی از چالش‌های اصلی قرعه این است که ممکن است نیازهای خاص بیماران را در نظر نگیرد و صرفاً براساس تصادف تصمیم‌گیری کند (۲۲). افرادی که به‌طور محتاطانه و با در نظر گرفتن محدودیت‌های منابع تصمیم‌گیری می‌کنند، در شرایطی که تنها یکی از این دو گزینه برای تخصیص منابع وجود داشته باشد، معمولاً سهمیه‌بندی براساس سن را از نظر منطقی قابل قبول‌تر و از نظر اخلاقی منصفانه‌تر از قرعه می‌دانند. این استدلال لزوماً بر برخی پیش‌فرض‌های اخلاقی مبنی بر اینکه زندگی در یک سن ارزشمندتر از زندگی در سن دیگر است، اشاره نمی‌کند. در برابر، قضاوت می‌کند که افراد از طرح سهمیه‌بندی براساس سن، وضعیت بهتری دارند یا وضعیت بدتری (۳۷).

۲-۵-۲. احتمال عدم دستیابی به بهترین نتیجه پزشکی: از نگاه منتقدان، انتخاب تصادفی، یک انتخاب غیرعقلانی است که لزوماً بهترین نتیجه پزشکی را به همراه ندارد. قرعه ممکن است منجر به تخصیص منابع به بیمارانی شود که از نظر پزشکی اولویت کمتری دارند و بیماران با شرایط بحرانی‌تر را از دریافت خدمات محروم کند.

به تعبیر برخی از منتقدان: «قرعه همچنان یکی از خودسرانه‌ترین و کم‌معناترین روش‌ها برای تعیین اینکه چه کسی باید زنده بماند و چه کسی باید بمیرد، است. قطعاً وقتی که شرایط حیاتی این‌قدر حساس هستند، انسان باید به عقلانیت متوسل شود، نه انتخاب تصادفی» (۳۸). «استفاده از قرعه برای تخصیص خطرات یا مزایا نه‌تنها انکار عقلانیت است، بلکه انکار انسانیت نیز هست؛ زیرا هر فرد به یک عدد بی‌نام و نشان تبدیل می‌شود که فقط براساس ترکیب منحصر به فردی از اعداد که سوابق او را در یک بایگانی اداری مشخص می‌کند، از سایر افراد قابل تشخیص است» (۳۹).

چاپلدرس نیز با وجود آنکه اعتراف می‌کند در جایی که باید قضاوت‌های مسئولانه و منطقی انجام داد، انتخاب‌های تصادفی، امری غیرعقلانی هستند؛ اما همچنان اشکال منتقدان

روش‌های تصادفی را پاسخ می‌دهد و در شرایطی که منابع سلامت و مراقبت‌های بهداشتی برای نجات جان همه نیازمندان، به میزان کافی موجود نباشد، استفاده از انتخاب‌های تصادفی یا شانسی مانند قرعه را برای تعیین اینکه زندگی چه کسی نجات داده شود، پیشنهاد می‌دهد. اجرای این اصل، با فراهم کردن فرصت‌های برابر، به میزان قابل توجهی کرامت شخصی را حفظ می‌کند؛ بنابراین، نمی‌توان بدون بررسی دلایلی که آن را توجیه می‌کند، مانند ارزش‌های انسانی، آن را به‌عنوان یک رویه «غیرعقلانی» و «غیرانسانی» رد کرد. کرامت شخصی و متعالی فرد که در رویکرد سودگرایانه در نقش و کارکرد اجتماعی وی غرق می‌شود را می‌توان با به رسمیت شناختن حق برابر او برای نجات، محافظت کرد؛ بنابراین انتخاب تصادفی، بیش از آنکه به محاسبات سودگرایانه نزدیک باشد، با الزامات تعیین شده توسط کرامت انسانی قرابت دارد. این عدالت مصون از خطا نیست؛ اما نسبت به روش‌های جایگزین دیگر ترجیح داده می‌شود (۲۸).

پیتر استون نیز مشابه همین استدلال را مطرح می‌کند: بی‌تردید، انسان باید به عقلانیت متوسل شود نه انتخاب تصادفی؛ اما هدف عقلانیت، یافتن تفاوت‌های مرتبط میان گزینه‌ها است. زمانی که ادعاهای افراد به یک اندازه قوی هستند، هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد و در نتیجه، توسل به عقلانیت هیچ ثمری نخواهد داشت. در شرایط نامعین، هیچ دلیل قانونی و مشروعی برای تفاوت‌گذاری میان مدعیان وجود ندارد و هرگونه تفاوت‌گذاری میان افراد بدون دلیل موجه، تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت است. قرعه بهترین راه برای جلوگیری از این تبعیض خواهد بود. دلیل تصویرسازی از عدالت با چشمان بسته این است که گاهی لازم است افراد را هنگام قضاوت نبینیم و هیچ چیزی را به جز ویژگی‌های مرتبط با تصمیم‌گیری در نظر نگیریم، به‌ویژه زمانی که تصمیمات ما بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد. ممکن است برخی این رویکرد را تقلیل انسان‌ها به اعداد و ارقام بی‌هویت بدانند؛ اما در واقع، این صرفاً پذیرش شرایطی است که هیچ تفاوت

ناکافی می‌دانند؛ بنابراین، مقایسه حاضر با آگاهی از این تفاوت در سطح پذیرش، بر بررسی شباهت‌ها و تمایزهای مبانی، شرایط و کارکردهای اجرایی متمرکز است.

۱-۳. **مقایسه مبانی فلسفی و نظری:** در فقه امامیه، مشروعیت قاعده قرعه عمدتاً بر حکم عقل و قاعده‌ای عقلانی، عرفی و منطقی استوار است. عقل عرفی این روش را به‌عنوان شیوه‌ای عقلانی برای تصمیم‌گیری بی‌طرفانه می‌پذیرد. آیات و روایات معصومین در این زمینه بیشتر به صورت ارشادی مطرح شده‌اند و نقش آن‌ها تأکید بر ضرورت اتخاذ شیوه‌ای عدالت‌محور در مواجهه با شرایط مجهول و تزاخم است. در این دیدگاه، قرعه عمدتاً ابزاری برای رفع تحیر و اجتناب از ترجیح بلامرئج در امور مجهول و تزاخمی شناخته می‌شود، هرچند برخی فقها معتقدند در مواردی می‌تواند جنبه‌ای از کشف واقع نیز داشته باشد.

در مقابل، اخلاق زیستی مدرن قرعه را بر پایه نظریه‌هایی چون عدالت رالز، فایده‌گرایی و قرارداد اجتماعی توجیه می‌کند. از این منظر، قرعه تضمین‌کننده برابری فرصت‌ها، بی‌طرفی در تصمیم‌گیری و کارایی در تخصیص منابع کمیاب است، به‌ویژه زمانی که هیچ معیار روشنی برای اولویت‌بندی وجود ندارد. در این رویکرد قرعه نه ارجاع به امر غیبی، بلکه سازوکاری برای حفظ مشروعیت اخلاقی و کاهش تنش اجتماعی در توزیع منابع محسوب می‌شود.

در فقه امامیه، درباره منبع مشروعیت قاعده قرعه اختلاف‌نظر وجود دارد؛ برخی فقها آن را صرفاً مبتنی بر وحی و سنت می‌دانند، در حالی که گروهی دیگر حکم عقل و عرف را نیز معتبر می‌شمارند. از سوی دیگر، اخلاق زیستی مبتنی بر فلسفه عدالت و عقلانیت عرفی است. با وجود این تفاوت‌های بنیادین در مبانی معرفت‌شناختی، بیشتر دیدگاه‌ها بر نقش مشترک قرعه در حل تزاخم، پیشگیری از ظلم و حفظ ثبات اجتماعی تأکید دارند، هرچند تبیین و اولویت‌بندی این کارکردها در هر نظام، متفاوت است.

با توجه به مطالب پیشین، می‌توان گفت هرچند مبانی قرعه در فقه امامیه از مسیر ادله شرعی و اصول فقهی تثبیت شده و

مشروعی میان افراد وجود ندارد و تنها تفاوت‌هایی که قابل شناسایی هستند، نامشروع و ناعادلانه خواهند بود. در چنین شرایطی، مراجعه به قرعه به معنای انکار انسانیت افراد نیست؛ بلکه تنها راهی است که برابری آن‌ها را به‌عنوان انسان به رسمیت می‌شناسد (۲۶).

۳-۵-۲. امکان فساد و سوء استفاده از قرعه: در مواردی که نظارت کافی وجود نداشته باشد، ممکن است افراد یا نهادها از سیستم قرعه سوء استفاده کنند و فرآیند انتخاب را به نفع فرد یا گروه خاصی تغییر دهند. به این ترتیب در شرایط عدم شفافیت در فرآیند شناسایی شرکت‌کنندگان در قرعه و دستکاری نتایج، عدالت قرعه زیر سؤال می‌رود (۲۴). قرعه‌ها می‌توانند توسط افراد ثروتمند و قدرتمند به بازی گرفته شوند. برای مثال، افراد بسیار ثروتمند می‌توانند با وارد شدن به لیست انتظار در چند مکان، با سیستم تخصیص اعضای بدن ایالات متحده بازی کنند؛ زیرا در هر جایی ممکن است یک عضو همسان در دسترس قرار گیرد و بنابراین، قرار گرفتن در فهرست‌های متعدد شانس فرد را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب، قرعه، هرچند روش بی‌طرفانه‌ای برای توزیع منابع است؛ اما می‌تواند در عمل ناعادلانه باشد (۴۰).

افزون بر این قرعه در شرایطی که نظارت کافی وجود نداشته باشد می‌تواند زمینه‌ساز رشوه‌خواری و تبانی شود. در برخی موارد، افراد ممکن است برای دریافت خدمات درمانی، مبالغی را به مسئولان پرداخت کنند تا نامشان در لیست قرعه قرار گیرد یا شانس بیشتری برای دریافت منابع داشته باشند. این موضوع می‌تواند به تبعیض در دسترسی به خدمات درمانی و کاهش اعتماد عمومی منجر شود (۴۱).

### ۳. مقایسه و تطبیق قاعده قرعه در فقه امامیه و روش

#### قرعه در اخلاق زیستی

شایان ذکر است که در فقه امامیه، اصل وجود و مشروعیت قاعده قرعه به‌طور کلی مورد پذیرش فقهاست، هرچند در ماهیت و گستره کاربرد آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. در مقابل، در اخلاق زیستی اصل توسل به قرعه در تخصیص منابع محدود محل مناقشه است و برخی آن را مغایر عدالت یا

منصفانه برای تصمیم‌گیری در شرایطی به کار می‌رود که امکان ترجیح قطعی میان گزینه‌ها وجود ندارد. در این شرایط، قرعه ابزاری برای رفع تحیر و اجتناب از ترجیح بلامرجح است که عدالت را در فرآیند انتخاب تضمین می‌کند؛ بنابراین، در هر دو حوزه، کاربرد قرعه محدود به موقعیت‌هایی است که معیار روشنی برای اولویت‌بندی موجود نباشد و هدف، حفظ بی‌طرفی و عدالت در تصمیم‌گیری باشد.

با این حال، تفاوت‌هایی نیز در قلمرو و شرایط اجرای قرعه وجود دارد. در فقه امامیه، قاعده قرعه معمولاً به‌عنوان ابزاری محدود و استثنایی مطرح می‌شود که تنها زمانی به کار می‌رود که راه‌حل شرعی یا عقلانی دیگری برای رفع شبهه یا تراحم وجود نداشته باشد. این کاربرد بیشتر در زمینه‌های حقوقی و به‌ویژه مواردی که به «حق الناس» مربوط می‌شود محدود است و تأکید اصلی بر صلاحیت و اجتهاد فرد مجری است. در مقابل، در اخلاق زیستی، قرعه دامنه کاربرد گسترده‌تری دارد و علاوه بر موقعیت‌های بن‌بست، در شرایطی که چند گزینه هم‌ارزش وجود دارد نیز به کار می‌رود. همچنین، شرایط اجرای قرعه در اخلاق زیستی به صورت نهادی و سیستماتیک طراحی شده است، با تأکید بر شفافیت، نظارت، ثبت دقیق فرآیند و تضمین بی‌طرفی فنی که تفاوت قابل توجهی با رویکرد فردی و محدود فقهی دارد.

#### ۳-۴. مقایسه چالش‌ها و محدودیت‌های اجرایی:

بزرگ‌ترین چالش نظری قرعه در فقه، اختلاف نظر فقها درباره قابلیت آن در کشف واقع است؛ برخی فقها قرعه را صرفاً ابزاری برای رفع تحیر و اجتناب از ترجیح بلامرجح می‌دانند، در حالی که برخی دیگر معتقدند در مواردی می‌تواند جنبه‌ای از کشف واقع داشته باشد. علاوه بر این، محدودیت‌های شرعی مانند لزوم فقدان دلیل قطعی و عدم جریان در برخی حقوق، دامنه کاربرد قرعه را محدود می‌کند.

در اخلاق زیستی معاصر، چالش‌های اصلی از جنس کارآمدی و مشروعیت اجتماعی‌اند. مهم‌ترین انتقاد، نادیده گرفتن نیازهای فردی و تفاوت‌های پزشکی میان بیماران است؛ به‌طوری‌که قرعه ممکن است به بیمار کم‌اولویت‌تر منابع را

در اخلاق زیستی بر نظریه‌های عدالت و بی‌طرفی استوار است، در هر دو رویکرد ریشه این سازوکار به عرف عقلا و پذیرش عقلانی آن باز می‌گردد. این اشتراک بنیادین نشان می‌دهد که قرعه، فارغ از چارچوب‌های ارزشی خاص، واجد پشتوانه‌ای عقلایی و جهان‌شمول است.

۲-۳. مقایسه اهداف و کاربردها: در فقه امامیه، قرعه ابزاری شرعی برای تعیین تکلیف در موارد «مجهول» یا «مشکل» است؛ یعنی زمانی که دلیل روشن برای ترجیح یکی از گزینه‌ها وجود ندارد یا اختلاف حل نشده باقی مانده است. کاربردهای آن به وضوح نشان‌دهنده جایگاه ابزاری قرعه برای حفظ نظم شرعی و برقراری عدالت فقهی است. در این چارچوب، قرعه نه از سر تساهل، بلکه به مثابه آخرین راه‌حل مشروع برای کشف تکلیف شرعی در امور مبهم و تراحمی استفاده می‌شود.

در مقابل، اخلاق زیستی معاصر قرعه را بیشتر در توزیع منابع سلامت به کار می‌گیرد، به‌ویژه در موقعیت‌های نابرابری در دسترسی یا کمبود شدید منابع. از تخصیص تخت ICU و پیوند عضو گرفته تا انتخاب بیماران برای درمان خاص یا شرکت‌کنندگان در مطالعات بالینی، قرعه راهکاری برای رعایت برابری شانس و بی‌طرفی نهادی است. هدف از این کاربردها، نه کشف امر معلوم، بلکه مدیریت عادلانه، شفاف و کارآمد تخصیص امکانات پزشکی در مواجهه با محدودیت‌ها و تضاد منافع است.

در مجموع، هرچند قرعه در فقه امامیه بر پایه‌ای الهی و مبتنی بر رجوع به حکم خداوند بنا شده و در اخلاق زیستی، براساس موازین عدالت رویه‌ای، کارایی و مشروعیت اجتماعی توجیه می‌شود؛ اما در هر دو دیدگاه، نقش محوری آن کاهش تعارض و فراهم کردن راه‌حلی منصفانه در شرایط بن‌بست است. یکی قرعه را برای رفع شبهه و حل دعوی به کار می‌گیرد و دیگری برای توزیع منصفانه و عقلانی منبعی نایاب میان افراد با استحقاق برابر.

۲-۳. مقایسه قلمرو و شرایط اجرا: در هر دو نظام فقهی و اخلاقی، قاعده یا اصل قرعه به‌عنوان راهکاری عقلانی و

اختصاص دهد و بیماران بحرانی را محروم سازد. بسیاری از منتقدان آن را تصمیمی غیرانسانی، تصادفی و فاقد عقلانیت تلقی می‌کنند. با این حال، مدافعان قرعه استدلال می‌کنند که در شرایط نبود معیارهای عادلانه، قرعه حافظ کرامت انسانی، عدالت رویه‌ای و فرصت‌های برابر است.

در هر دو رویکرد، فساد، عدم شفافیت و امکان دستکاری در فرآیند قرعه چالش مشترک و جدی به شمار می‌رود. در فقه، تأکید بر عدالت و صلاحیت مجری است؛ در اخلاق زیستی، بر نظارت رسمی، شفافیت سیستمی و جلوگیری از ورود ناعادلانه به لیست قرعه. در هر دو نگاه تأکید شده که قرعه به تنهایی کافی نیست، بلکه باید با دیگر معیارهای اخلاقی، عقلانی و فنی ترکیب شود تا مشروعیت، کارایی و عدالت آن تضمین شود.

**۵-۳. مقایسه میزان عدالت محوری هر رویکرد:** در فقه امامیه، قرعه ابزاری است برای تحقق عدالت شرعی در شرایطی که واقع مخفی شده و راه‌حل‌های دیگر ناکارآمدند (۱۱). عدالت در این رویکرد، به جای تمرکز بر کشف دقیق حق فردی، ناظر بر رفع نزاع به شیوه مورد رضایت شارع است. از این رو، اگرچه ممکن است نتیجه قرعه با واقع مطابقت نداشته باشد؛ اما عمل به آن ناعادلانه تلقی نمی‌شود؛ چرا که برآمده از حجتی شرعی و عقلانی برای خروج از تحریر است. این شیوه، در جوامع دینی که مشروعیت الهی از جایگاه بالایی برخوردار است، ضریب مقاومت در برابر سوء استفاده را افزایش می‌دهد، البته به شرط نظارت و عدالت اجرایی.

در مقابل، اخلاق زیستی معاصر بر عدالت رویه‌ای تأکید دارد؛ یعنی آنچه عدالت را تضمین می‌کند، نه لزوماً نتیجه نهایی، بلکه روش اتخاذ تصمیم است. گرچه انتخاب تصادفی ممکن است نیازهای خاص فردی را نادیده بگیرد یا منجر به انتخاب‌هایی شود که از نظر بالینی کمتر مطلوب‌اند؛ اما در چنین شرایطی، قرعه به‌عنوان نماد برابری فرصت‌ها، بی‌طرفی و حفظ کرامت انسانی معرفی می‌شود.

در نهایت، هر دو رویکرد عدالت‌محور هستند؛ اما با دو منطق متفاوت: در فقه امامیه، عدالت بر پایه حجیت شرعی، اعتماد به

خداوند و رفع تحیر تعریف می‌شود؛ در حالی که در اخلاق زیستی، عدالت مبتنی بر پرهیز از تبعیض، فرصت برابر و پاسخ‌گویی اجتماعی است. هرچند هر دو ممکن است در عمل با چالش‌هایی مانند تضییع حق واقعی یا نادیده گرفتن نیاز بالینی، روبه‌رو شوند؛ اما هر یک در چارچوب مفهومی خود، بر آن‌اند که «نتیجه غیرایده‌آل عادلانه‌تر» را بر «ترجیح خودسرانه نامشروع» مقدم بدانند.

به‌طور کلی می‌توان گفت اگر منظور از عدالت، کشف واقع و استیفای حق واقعی باشد، هر دو رویکرد در عمل محدودیت دارند: فقه امامیه اذعان دارد که قرعه در موارد مجهول کاشف از واقع نیست و اخلاق زیستی نیز آشکارا اذعان دارد که قرعه نمی‌تواند نیاز یا اولویت بالینی را ترجیح دهد؛ اما اگر عدالت را براساس نحوه تصمیم‌گیری عادلانه در شرایط عدم قطعیت تعریف کنیم، اخلاق زیستی ممکن است در جوامع سکولار، پاسخ‌گوتر، شفاف‌تر و از منظر ساختاری عادلانه‌تر تلقی شود؛ چون بر نظارت نهادی، مستندسازی و برابری فرصت‌ها تکیه دارد. در مقابل، فقه امامیه برای جوامعی که مشروعیت الهی را بنیان عدالت می‌دانند، به مراتب مقبول‌تر، مشروع‌تر و از نظر درونی منسجم‌تر است؛ زیرا بر سپردن کار به حکم خداوند و دوری از ترجیح بلامرغ انسانی تأکید دارد.

**۶-۳. مقایسه روش اجرای قرعه:** در فقه امامیه، اجرای قرعه به روش خاصی محدود نشده است (۱۲، ۱۹). با این حال قرعه معمولاً با ابزارهایی ساده و محسوس مانند نوشتن اسامی یا نشانه‌ها بر روی قطعاتی از چوب، سنگ، کاغذ یا قلم انجام می‌شود. این قطعه‌ها در ظرف یا کیسه‌ای قرار می‌گیرند و یکی از آن‌ها به قید قرعه بیرون کشیده می‌شود. آنچه اهمیت دارد، صداقت، بی‌طرفی و رعایت قصد قربت در اجرای قرعه است. اجرای آن ممکن است با حضور قاضی یا شاهد انجام شود تا اطمینان از عدالت و مشروعیت آن حاصل گردد.

در اخلاق زیستی معاصر، اجرای قرعه عمدتاً با استفاده از ابزارهای مکانیکی یا دیجیتال انجام می‌شود، از نرم‌افزارهای رایانه‌ای تا سیستم‌های خودکار الکترونیکی. این روش‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که عنصر شانس به درستی اعمال

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی جایگاه قاعده قرعه در فقه امامیه و اصل قرعه در اخلاق زیستی معاصر، نشان می‌دهد:

۱. با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی فقه امامیه و اخلاق زیستی معاصر، هر دو نظام در مواجهه با موقعیت‌های فاقد ترجیح قطعی و تراحم ارزشی، از قرعه به‌عنوان سازوکاری مشروع و منصفانه بهره می‌گیرند.

۲. در فقه امامیه، قرعه با اتکاء به منابع اولیه همچون قرآن، روایات معتبر و اجماع فقها، به‌عنوان راه‌حل نهایی در شرایط تحیر، مجهولات و تزاخمت غیر قابل حل مطرح است و می‌تواند نقش فعالی در تحقق عدالت شرعی ایفا کند.

۳. اخلاق زیستی معاصر، با تکیه بر نظریه‌های عدالت رویه‌ای، بی‌طرفی و تساوی فرصت‌ها، قرعه را ابزاری منطقی و قابل دفاع برای تخصیص منابع کمیاب سلامت در شرایط بحرانی تلقی می‌کند.

۴. این قرابت کاربردی میان دو نظام معرفتی، زمینه گفت‌وگویی سازنده میان مفاهیم سنتی فقه اسلامی و نظریه‌های اخلاق زیستی را فراهم کرده و امکان تلفیق مبانی آن‌ها را در سیاست‌گذاری سلامت افزایش داده است.

۵. براساس یافته‌های این پژوهش، تدوین یک دستورالعمل تلفیقی برای اجرای قرعه در حوزه سلامت، با رعایت معیارهای شرعی فقه امامیه و اصول اخلاق زیستی معاصر، امکان‌پذیر است. چنین چارچوبی از قابلیت اجرا در نظام‌های اسلامی و سکولار برخوردار بوده و شامل ضوابط آغاز قرعه، شرایط افراد واجد، نظارت نهاد ثالث و نحوه ثبت فرآیند است. این ساختار می‌تواند به‌عنوان راهکاری عملی در جهت تحقق عدالت نهادی، کاهش تعارضات و ارتقای اعتماد عمومی مورد ارزیابی قرار گیرد.

شود و هیچ‌گونه سوگیری یا مداخله انسانی در نتیجه وجود نداشته باشد. مهم‌ترین اصول در این فرآیند، شفافیت، قابلیت حساب و بازبینی است (۴۲).

فقه قرعه را نوعی اعتماد به اراده الهی می‌داند و اجرای آن را به رعایت آداب شرعی پیوند می‌زند؛ در حالی که اخلاق زیستی آن را به‌عنوان بخشی از سیاست عمومی سلامت می‌بیند و آن را مستلزم طراحی نهادی دقیق، استانداردسازی و نظارت مستمر می‌داند. هرچند هدف هر دو، انتخاب بی‌طرفانه در شرایط بن‌بست است؛ اما مسیر اجرای آن‌ها در بینش دینی و سکولار تفاوت‌هایی دارد.

۷-۳. تأثیرات اجتماعی و حقوقی هر روش: در فقه امامیه، قرعه دارای تأثیرات حقوقی مهمی است؛ چرا که در بسیاری از موارد، نتیجه آن نزد شارع به مثابه حکم شرعی تلقی می‌شود و می‌تواند ملاک داوری در دعاوی پیچیده، تعیین مستحق یا اجرای مجازات باشد. در بُعد اجتماعی نیز چون قرعه به‌عنوان سپردن امر به خدا تلقی می‌شود، می‌تواند به کاهش نزاع، پذیرش نتایج و رفع کینه کمک کند، البته مشروط بر آنکه اعتماد عمومی به عدالت مجری آن وجود داشته باشد؛ اما در نبود آگاهی دینی یا در مواردی که نتیجه با واقع تعارض دارد، پذیرش اجتماعی آن با چالش مواجه می‌شود.

در مقابل، در اخلاق زیستی معاصر، تأثیر قرعه بیشتر ناظر به وجوه اجتماعی، نهادی و سیاست‌گذاری است. از حیث حقوقی، قرعه تنها زمانی نافذ و معتبر است که براساس ضوابط شفاف، قابل بازبینی و با تضمین بی‌طرفی نهادی اجرا شود. تأثیر اجتماعی آن نیز دوگانه است: از یک‌سو می‌تواند اعتماد عمومی و حس عدالت را تقویت کند و از سوی دیگر در صورت نادیده گرفتن نیازهای فردی یا وقوع فساد، مشروعیت اخلاقی و اجتماعی را تضعیف می‌کند.

به این ترتیب قرعه در فقه امامیه تأثیر حقوقی قطعی‌تری دارد؛ اما وابسته به بستر ایمانی و اعتماد دینی است؛ در حالی که در اخلاق زیستی، تأثیرات اجتماعی آن پررنگ‌تر و مشروعیتش منوط به طراحی نهادی، شفافیت رویه و پاسخ‌گویی عمومی است.

## References

1. Ibn Manẓūr, M. Lisān al-‘Arab. 3<sup>rd</sup> ed. Beirut: Dār Ṣādir. 1994(1414). 8:262. [In Arabic]
2. Majmū‘ih Mu‘allifīn. al-Mu‘jam al-Wasīf. Cairo: Dār al-Da‘wat. Nd. 2:728. [In Arabic]
3. Fayyūmī, AM. al-Miṣbāḥ al-Munīr. 2<sup>nd</sup> ed. Beirut: al-Maktabat al-‘Aṣriyyah. 1997 (1418). 153. [In Arabic]
4. Narāqī, AM. ‘Awā‘id al-Ayyām fī Bayān Qawā‘id al-Aḥkām. Qum: Daftar Tabliḡhāt Islāmī Ḥawzat ‘Ilmīyyat. 1996 (1417). 1: 668 & 658 & 658-659. [In Arabic]
5. Zārī‘ī Sabziwārī, A. al-Qawā‘id al-Fiḡhīyyat fī Fiḡh al-Imāmīyyat. Qum: Nashr Islāmī. 2009 (1430). 9: 66-67. [In Arabic]
6. Q. 37: 141.
7. Q. 3: 44.
8. Maghribī, NM. Da‘ā‘im al-Islām. 2<sup>nd</sup> ed. Qum: Āl al-Bayt (‘Alayhim al-Salām). 1965 (1385). 2:522. [In Arabic]
9. Ṣadūq, M. Man lā Yaḥḍuruh al-Faqīh. 2<sup>nd</sup> ed. Qum: Daftar Nashr Islāmī. 1992 (1413). 3:92. [In Arabic]
10. Ibn Shu‘bah Ḥarrānī, H. Tuḡaf al-‘Uqūl ‘An Āl al-Rasūl. 2<sup>nd</sup> ed. Qum: Nashr Islāmī. 1984 (1404). 480. [In Arabic]
11. Makārim Shīrāzī, N. al-Qawā‘id al-Fiḡhīyyat. 3<sup>rd</sup> ed. Qum: Madrisat al-Imām ‘Alī ibn Abī Ṭālib. 1991 (1370). 1:353-356 & 369 & 365. [In Arabic]
12. Karīmī Qummī, H. Qā‘idih Qur‘ah. Qum: Markaz Fiḡhī A‘immat Aṡḡar. 1999 (1420). 86-87 & 33 & 86. [In Arabic]
13. Ṭūsī, M. al-Mabsūṡ fī Fiḡh al-Imāmīyyat. 3<sup>rd</sup> ed. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyyat li-Iḡyā‘ al-Āṡḡar al-Ja‘farīyyat. 1968 (1387). 8:262. [In Arabic]
14. Ḥillī, H. Tadhkirat al-Fuḡahā‘. Qum: Mu‘assisat Āl al-Bayt li-Iḡyā‘ al-Turāṡh. 1993 (1414). 4:311 & 12:245. [In Arabic]
15. Anṣārī, M. Farā‘id al-Uṡūl. Qum: Majma‘ al-Fikr al-Islāmī. 1998 (1419). 3:385. [In Arabic]
16. Khomeini, SR. Taḡrīr al-Wasīlat. Tehran: ‘Urūj. 2013 (1434). 1:381 & 673 & 2:430. [In Arabic]
17. Ibn Idrīs Ḥillī, M. al-Sarā‘ir al-Ḥāwī li-Taḡrīr al-Fatāwī. 2<sup>nd</sup> ed. Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1990 (1410). 1:87 & 3:282. [In Arabic]
18. ‘Āmilī, M. al-Qawā‘id wa al-Fawā‘id. Qum: Maktabat al-Mufīd. Nd. 2:183. [In Arabic]
19. Lankarānī, M. al-Qawā‘id al-Fiḡhīyyat. Qum: Fiḡh A‘immih Aṡḡar. 2004 (1383). 430-433 & 434 & 441. [In Arabic]
20. Nā‘īnī, MH. Fawā‘id al-Uṡūl. Qum: Jāmi‘at Mudarrisīn Ḥawzat ‘Ilmīyyah-yi Qum. 1997 (1376). 4:680. [In Arabic]
21. ‘Irāqī, ḌA. Nihāyat al-Afkār. Qum: Mu‘assisat al-Nashr al-Islāmī. 1941 (1360). 4:104-106. [In Arabic]
22. Persad G, Wertheimer A, Emanuel EJ. “Principles for allocation of scarce medical interventions”. *The Lancet*. 2009 (1388). 373(9661): 423 & 428 & 429 & 423. [In English]
23. Beauchamp TL, Childress JF. Principles of biomedical ethics. 7<sup>th</sup> ed. Oxford: Oxford University Press. 2013. 265-266. [In English]
24. Bond K, Sandman L, Gustavsson E. “Using a lottery to resolve indeterminacy when allocating resources for drugs for rare diseases”. *Journal of Medical Ethics*. 2025. Advance online publication. Available from: <https://doi.org/10.1136/jme-2023-109723>. [In English]
25. Emanuel EJ, Persad G, Upshur R, Thom B, Parker M, Glickman A, Zhang C, Boyle C, Smith M, Phillips JP. “Fair allocation of scarce medical resources in the time of Covid-19”. *The New England Journal of Medicine*. 2020. 382(21):2053. Available from: <https://doi.org/10.1056/NEJMs2005114>. [In English]
26. Stone P. The luck of the draw: the role of lotteries in decision making. Oxford: Oxford University Press. 2011. 65-85 & 85. [In English]
27. Wang X. “Intentions, impartiality, and the fairness of lotteries”. *Philosophia*. 2023. 51(4):1796-1797 & 1807-1808. [In English]
28. Childress JF. “Who shall live when not all can live?”. *Soundings: An Interdisciplinary Journal*. 2013. 96(3):245-248. [In English]
29. Gopinathan U, Dale E, Evans DB. “Procedural fairness in health financing for universal health coverage: why, what and how”. *Health Policy and Planning*. 2023. 38(1):2. [In English]
30. Rawls J. A theory of justice. Rev. ed. Cambridge: Harvard University Press. 1999. 63 & 53 & 137 & 102,118. [In English]
31. Harris J. “The survival lottery”. *Philosophy*. 1975. 50(191):81-87. [In English]
32. Daniels N. Just health care. Cambridge: Cambridge University Press. 1985. 83-85. [In English]

33. Singer P. "Utility and the survival lottery". *Philosophy*. 1977. 52(201):218-222. [In English]
34. Bond K, Sandman L, Gustavsson E. "137: Oral-Taking a chance on health: the lottery principle, healthcare resource allocation, and orphan drugs". *BMJ Global Health*. 2022. 7(2): 21-22. [In English]
35. Sandel, MJ. Justice: what's the right thing to do? New York: Farrar, Straus and Giroux. 2009. 19-20. [In English]
36. Callahan, D. Setting limits: medical goals in an aging society. New York: Simon & Schuster. 1987. 130-135. [In English]
37. Daniels, N. Just health: meeting health needs fairly. Cambridge: Cambridge University Press. 2008. 1:177-181. [In English]
38. Leiman, S. The ethics of lottery. Kennedy Institute Quarterly Report. 1978. 4: 9. [In English]
39. Fienberg, SE. "Randomization and social affairs: the 1970 draft lottery-randomization is not easily achieved by the mixing of capsules in a bowl". *Science*. 1971. 171(3968):255. [In English]
40. John, TM & Millum, J. "First come, first served?". *Ethics*. 2020. 130(2):204-205. [In English]
41. Sommersguter-Reichmann, M & Reichmann, G. "Untangling the corruption maze: exploring the complexity of corruption in the health sector". *Health Economics Review*. 2024. 14(50): 6. Available from: <https://doi.org/10.1186/s13561-024-00530-6>. [In English]
42. Robertson, A & Kerridge, I. "Ethical considerations regarding allocation of ICU beds". *Macquarie University & University of Wollongong*. 2020. 3. Available from: <https://documents.uow.edu.au/content/groups/public/@web/@socs/documents/doc/uow264048.pdf>.